

همزیستی اسلامی با پیروان دیگر ادیان



زهرا چیدری

سردبیر

چاردیواری

یکی از ویژگی‌های مهم دین مبین اسلام که به آیینی کامل و جامع تبدیل شده است، همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان این آیین با دیگر ادیان آسمانی و همچنین مهرتایید آن بر آیین‌ها و سنت‌هایی است که با اصول اسلامی و انسانی مطابقت دارد. همچنان‌که با پذیرش اسلام از سوی ایرانیان، آیین‌هایی چون عید نوروز یا یلدا نه فقط از سوی اسلام رد نشد بلکه با تایید این دین مبین همراه بود. همچنان‌که این آیین آسمانی ادیان و آیین‌های الهی پیش از خود را رد نکرد و حتی تصدیق کرد. همان‌گونه که بخش‌های زیادی از قرآن کریم به بیان قصص انبیای الهی پیش از رسول اکرم (ص) پرداخته و داستان‌های مربوط به ولادت، رسالت و دعوت انبیایی همچون حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) با جزئیات آن در قرآن کریم ذکر شده است. این مساله و مطابقت آنچه در قرآن ذکر شده با آنچه که در کتاب‌های پیشین از جمله تورات و انجیل آمده از یک سونشان از حقانیت دین اسلام دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد دین مبین اسلام به دنبال ایجاد تعارض و تقابل با سایر ادیان نیست بلکه این دین باتکیه و تاکید بر مشترکات میان ادیان توحیدی پیش از خود، آمده تا هدایتی جامع و کامل را برای بشریت ارائه دهد و در این مسیر باز هم اکراه و اجباری ندارد. همچنان‌که در سیره نبوی و سیره ائمه شاهد آن هستیم که مسلمانان با پیروان دیگر ادیان الهی زندگی مسالمت‌آمیزی دارند و مسیحیان و یهودیان در حکومت اسلامی عصر پیامبر و حضرت علی (ع) از تمامی حقوق شهروندی برخوردارند.

حضرت امیر (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر در نهج البلاغه می‌فرمایند: «مهربانی و خوش رفتاری و نیکویی با رأیت را در دل خود جای ده و مبادا نسبت به ایشان جانور درنده بوده، خورده‌شان را غنیمت دانی که آنان دو دسته‌اند یا باتو برادر دینی‌اند و یا در آفرینش مانند تو هستند.»

همین رفتارمدار و حسن خلق حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) و دیگر ائمه با پیروان ادیان دیگر باعث گرایش آنها به اسلام می‌شد و در طول تاریخ نبوی و سیره ائمه شاهد تشریف بسیاری از اهل کتاب به اسلام بودیم.

به طور نمونه نقل شده حضرت علی (ع) با فردی یهودی هم سفر بود. هنگام جدایی، حضرت مقداری آن فرد را مشایعت فرمود. وی تصور کرد که ایشان راه را به اشتباه می‌آید. با اعتراض وی، حضرت به او فرمود، بر اساس فرموده پیامبر اسلام، تو حقی بر من داری که خواستم با مشایعت و همراهی، بخش از آن را ادا کرده باشم. شخص یهودی از برخورد خوب حضرت خوشحال و به ایشان علاقه‌مند شد و بعدها که متوجه شد همسفرش، داماد پیامبر و حاکم مسلمانان بوده، به اسلام گرایش پیدا کرد و اسلام آورد.

کتابی برای شناخت حضرت عیسی از نگاه اسلام و مهدویت

نقش حضرت مسیح (ع) در دولت مهدوی

امیرعلوی

چاردیواری

باور به ظهور حضرت مهدی در پایان دنیا، یکی از اعتقادات بسیار قدیمی در ادیان و کتاب‌های دینی مختلف است که نظریه‌های متفاوتی را به خود اختصاص می‌دهد. در دین مسیحیت قیام عیسی مسیح (ع) همان منجی وعده داده شده در آخرالزمان خواهد بود. به همین سبب می‌توان نتیجه گرفت که دین مسیحیت بر مبنای اعتقادی راسخ به موعود گرایی پایه‌گذاری شده است.

در دین اسلام نیز در خصوص اصل منجی، اختلاف چشمگیر و مهمی دیده نمی‌شود ولی در این‌که آیا منجی موعود متولد شده یا نه، نظرهای متفاوتی وجود دارد. اهل سنت بر این باورند که او هنوز پا به جهان نگذاشته اما شیعیان اعتقادی راسخ بر تولدش داشته و او را در پس پرده غیبت می‌دانند.

معرفی

کتاب «نقش حضرت مسیح (ع)» در دولت مهدوی، نوشته مجید یعقوب‌زاده علاوه بر بررسی نظرات دین مسیحیت در رابطه با تولد منجی موعود، وظایف تعیین شده حضرت مسیح را در زمان دولت مهدوی شرح می‌دهد.

فارغ از تمام مطالب گفته شده، ضمن شناخت موضوعات عصر ظهور، تاثیر عیسی مسیح (ع) در دولت حضرت مهدی (عج) اهمیتی بسیار دارد اما به این موضوع در هیچ کتابی به شکل مستقل و جامع پرداخته نشده. بر این اساس، سرفصل‌های اصلی بررسی شده در این کتاب، به این شرح است:

در فصل اول به بیان مسأله و اهداف، پرسش‌های پژوهش، روش تحقیق، تعاریف، بررسی برخی منابع مورد استفاده در این تحقیق، شناخت موعود واقعی، اندیشه موعود در مسیحیت و اسلام پرداخته شده است. در فصل دوم، مباحث بنیادی و مبانی نظری تحقیق مانند امامت، عیسی مسیح (ع) در «کتاب مقدس» و «قرآن کریم»، رجعت یا نزول حضرت عیسی (ع)، برخی از شباهت‌های حضرت مهدی (عج) و حضرت عیسی (ع)، مجدد بودن حضرت مهدی (عج) و نجات بشر در پایان تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم نیز به بررسی و مطالعه وظایف حضرت مسیح (ع) در دولت حضرت مهدی (عج)، وزارت در دولت مهدوی، شکستن صلیب برای برداشتن نماد کفر و... پرداخته است.

در بخشی از کتاب نقش حضرت مسیح (ع) در دولت مهدوی می‌خوانیم:

در احادیث مهدویت از عیسی بن مریم به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (عج) یاد شده است که در زمان ظهور، ایشان از آسمان نزول می‌کند و پشت سر آن حضرت قرار می‌گیرد و در نماز جماعت به ایشان اقتدا خواهد کرد و معاونت ایشان را به عهده خواهد گرفت. روشن است به حکم این‌که آیین و کتاب عیسی مسیح (ع) به عصر قبل از اسلام تعلق دارد و عمرش با آمدن خاتم پیامبران و خاتم کتب به سرآمده است. آن حضرت موظف خواهد بود در عصر ظهور مهدی (عج) از آیین موجود، یعنی آیین اسلام که ایشان در راه جهانی‌سازی آن، انقلاب می‌کند، پیروی نماید.

بر اساس روایات انبوه اسلامی، حضرت مهدی (عج) رهبر انقلاب جهانی دادگستر است و عیسی بن مریم در کنار آن حضرت در راه جهانی‌سازی عدل و فرهنگ اسلام می‌کوشد و موانع و آسیب‌ها را از میان برمی‌دارد. بر این اساس، یکی از عوامل تأثیرگذار در پیشرفت انقلاب جهانی مهدوی و برقراری حاکمیت انقلاب اسلامی در سراسر جهان، حضور این پیامبر الهی در کنار مهدی آل محمد (ص) است.

طبیعی است که در آن عصر، جامعه مسیحی با شنیدن سخنان پیامبرشان درباره ضرورت پیروی از حضرت مهدی (عج) از طریق رسانه‌ها در عصر ارتباطات یا شنیدن صدا از طرق دیگر، برای مشارکت در انقلاب جهانی مهدوی به یاری حضرت می‌شتابند و از این راه، اسلام سریع‌تر در سراسر جهان گسترش می‌یابد. گرایش عناصر صادق از جمعیت میلیاردری مسیحیان جهان به سوی اسلامی که پیامش را عیسی بن مریم (ع)، یاور و پشتیبان حضرت مهدی به آنها خواهد رساند، نقش مهمی در حاکمیت اسلام بر جهان غرب ایفا می‌کند.



سبک شمردن عبادت



وضوئی که باخواست، خواهش و توجه توأم باشد، یک جور قبول می‌شود و وضوئی که ما می‌گیریم، جور دیگر. پس نماز را نباید استخفاف کرد و سبک شمرد. نباید انسان کوشش کند که در نماز فقط به واجباتش قناعت کند و بگوید برویم ببینیم فتوای مرجع تقلید چیست؛ آیا می‌گوید سه تا سُبحان... وَالْأَخْذُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... اکبر باید گفت یا یکی هم کافی است؟ مجتهد باید فتوایش را بگوید. مجتهد می‌گوید یکی هم کافی است، احتیاط مستحبی این است که سه تا گفته شود. دیگر ما نباید بگوییم حالا که گفته‌اند یکی کافی است، ما هم یکی بیشتر نمی‌خوانیم. این، فرار از نماز است. ما باید طوری باشیم که وقتی هم مجتهد به ما می‌گوید یکی واجب است و دو تای دیگر مستحب، بگوییم ما مغتنم می‌شماریم و آن دو تای دیگر را هم می‌گوییم.

روژه را هم نباید استخفاف کرد و سبک شمرد. ما حج می‌کنیم ولی به آن استخفاف می‌کنیم، روزه می‌گیریم و به آن استخفاف می‌کنیم، نماز می‌خوانیم و به آن استخفاف می‌کنیم، اذان می‌گوییم و به آن استخفاف می‌کنیم. حالا چطور به اذان استخفاف می‌کنیم؟ مستحب است که مؤذن «صیت» یعنی خوش صوت باشد. همان طوری که در قرائت قرآن، تجوید یعنی زیبا قرائت کردن حروف، با آهنگ زیبا خواندن - قرآن که اثر بیشتری در روح دارد - سنت است در اذان نیز مستحب است که مؤذن صیت یعنی خوش آواز باشد؛ اذان را با یک حالی بخواند که مردم را به حال بیاورد، به یاد خدا بیاورد.

خیلی افراد صیت هستند و می‌توانند خوب اذان بگویند اما اگر به آنها بگویی آقا برو یک اذان بلند بگو، نمی‌گوید. چرا؟ چون خیال می‌کند این کسر شأنش است؛ من این قدر پایین هستم که مؤذن باشم؟! آقا! باید افتخار کنی که یک مؤذن باشی. علی بن ابیطالب مؤذن بود، همان وقتی که خلیفه بود هم مؤذن بود. این استخفاف به اذان است که یک نفر ننگش بکند که مؤذن باشد یا مؤذن بودن را بسته به شأن اشخاص بداند و بگوید من که از اعیان و اشراف هستم از رجال و شخصیت‌ها هستم، من دیگر چرا مؤذن باشم؟ اینها همه استخفاف است.

پس ما هرگز نباید به عبادت استخفاف کنیم. ما باید مسلمان کامل و جامع باشیم. ارزش اسلام به جامعیت آن است. نه آن طور باشیم که فقط به عبادت بچسبیم و غیر آن را رها کنیم و نه مثل آنها که اخیرا پیدا شده‌اند، باشیم که اسلام را فقط به تعلیمات اجتماعی‌اش بشناسیم و به عبادت استخفاف کنیم، عبادت را تحقیر کنیم.

عبادت، گذشته از این‌که خودش یک رکن و مرکب تقرب به پروردگار است و گذشته از این‌که اِقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِی نماز برای یاد خدا بودن و نزدیک شدن به اوست و نزدیک شدن به خدا به هدف دیگری ماورای خود نیاز ندارد، گذشته از همه اینها اگر ما عبادت را تحقیر کنیم، از سایر وظایف هم می‌مانیم. عبادت، قوه مجریه و ضامن اجرای سایر دستورات اسلامی است.

برگرفته از کتاب آزادی معنوی

استاد شهید مرتضی مطهری

اسلام مجموع معارف اعتقادی و اخلاقی

اسلام که خم‌رنگرزی نیست، اسلام مجموع معارف اعتقادی و اخلاقی است و قوانینی است عملی که هر سه قسمت آن با یکدیگر متناسب و مرتبط است و با همه تمامیتش وقتی اثر می‌گذارد که مجموعش عملی شود و اما اگر کسی معارف اعتقادی و اخلاقی آن را به دست آورده و در مرحله عمل کوتاهی کند، البته اثری نخواهد داشت. نظیر معجون‌ها که وقتی یک جزء آن فاسد می‌شود همه‌اش را فاسد می‌کند و اثری مخالف به جای می‌گذارد و نیز وقتی اثر مطلوب را می‌بخشد که بدن بیمار برای ورود معجون و عمل‌کردنش آماده باشد و اگر انسانی که آن را مصرف می‌کند شرایط مصرف را رعایت نکند، اثر آن خنثی می‌شود و چه بسا نتیجه و اثری برخلاف آنچه را که توقع داشت می‌گیرد. / ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۴، صفحه ۳۰۴